

فتح الله مجتبائی

پیوندهای فرهنگی ایران و هند
در دوره اسلامی

ترجمه

ابوالفضل محمودی



تهران ۱۳۸۹

فهرست مطالب

یادداشت مترجم	پنج
پیشگفتار	۱
یادداشت مؤلف بر ویرایش دوم	۲
یادداشت‌های مؤلف بر ویرایش اوّل	۵
مقدمه	۷
بیرونی و هند	۱۳
ادبیات دینی هندوان به زبان پارسی	۵۹
عرفان هندوئی - اسلامی	۹۳
جلوه‌هایی از روابط فرهنگی هندوان و مسلمانان	۱۱۱
سازوارسازی اندیشه‌های دینی هندوئی و اسلامی	۱۴۳
فهرست منابع	۱۶۷
فهرست آیات، احادیث و اقوال عرفا	۱۷۱
فهرست اسامی خاص	۱۷۳
فهرست اصطلاحات	۱۸۳
فهرست کتابها	۱۸۸

یادداشت مترجم

از اینکه ترجمه این اثر ارزشمند، پس از ویرایش مجدد و انتشار متن انگلیسی آن در مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران و به پیشنهاد ریاست دانشمند و محترم مؤسسه، استاد دکتر اعوانی، و نظر مساعد حضرت استاد مجتبائی، به اینجانب واگذار شد خداوند را شاکرم. حیف بود که خوانندگان پارسی‌زبان از مطالعه این اثر محروم بمانند، آن هم در زمانه‌ای که بیش از پیش به آنچه جوهر پیام استاد در این گفتارهاست نیازمندند؛ و آن ترویج فرهنگ جستجوی حقیقت بدون تعصب و پیش‌داوری، کوشش و گفتگو برای شناخت متقابل دیگران، و تأکید بر عناصر مشترک میان فرهنگی یعنی ارزشهای متعالی دینی، اخلاقی و انسانی، در عین حفظ هویت فرهنگی است؛ و این علاوه بر پژوهش عالمانه و کم‌نظیری (اگر نگوئیم در زبان فارسی بی‌نظیر) است که استاد در زمینه پیشینه پیوندهای دینی و فرهنگی مسلمانان و هندوان و داد و ستدهای فرهنگی میان آن دو در اختیار خواننده علاقمند می‌گذارد. از این رو، با آنکه تاکنون حدود سی و دو سال از انتشار اولیه آن در هندوستان می‌گذرد اما همچنان طراوت و جایگاه شایسته خود را حفظ کرده است.

بیش از این، آنچه که درباره این اثر بایسته یادآوری است در یادداشتهای مؤلف دانشمند و به‌ویژه در مقدمه رشیدالدین خان آمده است، و در اینجا تنها به اختصار به چند نکته درباره ترجمه اشاره می‌کنیم:

۱- اگر در ترجمه حسن و دقتی مشاهده شود قطعاً مرهون دقت نظر تحسین برانگیز و راهنماییهای استاد مجتبائی است که با حوصله تمام،

بیش از یک بار همه ترجمه را از نظر گذرانده و از خطاهای نگارشی و محتوایی آن کاستند. هرگونه سهو و خطای احتمالی برجای مانده در ترجمه نیز برخاسته از غفلت و بضاعت علمی اندک مترجم است.

۲- ترجمه عباراتی که از تحقیق ماللهند در فصل اول نوشتار ذکر شده است مربوط به خود استاد مجتبائی و برگرفته از نوشته دیگری از ایشان است.^۱

۳- به صلاحدید استاد تغییرات اندکی در این متن (عمدتاً در فصل پایانی) نسبت به متن انگلیسی صورت گرفته است.

در پایان سپاس فراوان خود را نسبت به ریاست دانشمند مؤسسه و نیز سرکار خانم دکتر اعوانی و جناب آقای دکتر یوسف ثانی و دیگر بزرگوارانی که امکان نشر این اثر را فراهم آوردند ابراز می‌دارم. از جناب آقای محمدرضا عدلی، دانشجوی فاضل دکتری ادیان و عرفان، که زحمت بازخوانی نسخه نهایی و فراهم آوردن فهرست اعلام و کتابخانه این اثر را متقبل شدند نیز صمیمانه سپاسگزارم.

ابوالفضل محمودی

اسفند ۱۳۸۸

۱. مجتبائی، فتح‌الله، «بیرونی و هند»، برسیهایی دربارهٔ ابوریحان بیرونی به مناسبت هزارهٔ ولادت او، تهران، شورای عالی فرهنگ و هنر، ۱۳۵۲.

پیشگفتار

گرد آوردن این مجموعه سخنرانی‌هایی که توسط پروفیسور فتح‌الله مجتبابی رئیس گروه ادیان دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، درباره جنبه‌هایی از روابط هندوان و مسلمانان در هند، در سال گذشته و تحت نظارت بنیاد تربیتی و فرهنگی ذاکر حسین ارائه شده است، کوششی درخور تقدیر و ستایش است.

چگونگی تلفیقی تمدن هندی در طول قرن‌ها مشهور است، و جامعه ما گواهی زنده بر صحت این نظریه است که فرهنگ، ویژگی یک سرزمین و مردمان آن است، و نه صفت دین آنها. ورود اسلام به هند، مقدم بر حکومت مسلمانان بود، درست همان‌گونه که قرن‌ها پیش از پیدایش استعمار اروپایی، مسیحیت در اینجا رشد کرد، و واقعیت پذیرش و تکریم این دو دین، که زمینه‌ساز باور به تعالیم آنها شد، در مقایسه، کمتر مرهون کوشش‌های فاتحان مسلمان و مسیحی است. شرط لازم تمدن ما «تولرانس» است — این اعتقاد که حقیقت یکی است، هر چند فرزندگان آن را با شیوه‌های گوناگون توصیف کنند، و راه‌های فراوان ارتباط با خداوند به یک اندازه معتبرند. بر این اساس، این را بسیار دلگرم‌کننده یافتیم که پروفیسور مجتبابی اعتبار فراوانی بر این نظر قائل است، که

اسلام یک جزء لازم و اصلی از حیات اجتماعی و فرهنگی شبه قاره است.

در زمانی که ما نیرو و توان خود را مصروف ارتباط خارجی نزدیکتر در همه حوزه‌ها با همسایگانمان می‌کنیم، گفتگوی مداوم بر اساس همسان‌انگاری هر آنچه ما را با هم پیوند می‌دهد، و برجسته کردن جنبه‌های مثبت روابط تاریخی‌مان در حوزه‌های فرهنگ، هنر، و دین، کوششی است که من از آن استقبال می‌کنم. بهترین توفیقات را برای ایشان و این بنیاد خواهانم.

الف. ب. واجپایی

وزیر امور خارجه، هند، دحلی نو

پنجم آوریل ۱۹۷۸

یادداشت مؤلف بر ویرایش دوم

این دومین ویرایش از مجموعه سخنرانیهای من است که در بهار ۱۹۷۷ به یادبود ذاکر حسین در بنیاد تربیتی و فرهنگی دکتر ذاکر حسین، در دهلی نو ارائه شد. فصل چهارم از افزوده‌های بعدی به چاپ اول است، و بر این ویرایش نیز فصل پنجم را افزودم، که دربارهٔ رشد و گسترش جنبش بهکتی جدید در شمال، و تأثیر اندیشه‌های عرفانی اسلامی بر بهکته‌های شمال هند در قرون میانه است.

سالها بود که چاپ جدیدی از این اثر انجام نشده و در اختیار نبود، و اکنون در دسترس دانشجویان این حوزه از مطالعات، و علاقه‌مندان به گفتگوهای میان فرهنگی و بین‌الادیانی قرار می‌گیرد.

در اینجا سپاس خود را از دوست فرهیخته‌ام دکتر غلامرضا اعوانی، رئیس مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، که با نشر ویرایش دوم این اثر در مجموعه انتشارات مؤسسه موافقت نمودند، و نیز از دکتر یوسف ثانی که تمامی مساعی خود را برای تسریع در جریان چاپ این کتاب مبذول داشتند، ابراز می‌دارم.

بویژه باید تشکر کنم از آقای محمدرضا عدلی، دانشجوی ادیان و عرفان تطبیقی، برای دقت فراوانشان در بازبینی نمونه‌های چاپی و

تصحیح اغلاط فاحش، و پذیرش کار پر زحمت فراهم آوردن فهرستهای مختلف اعلام و اصطلاحات فنی.

ف. مجتبایی

تهران

دسامبر ۲۰۰۷ (دی ماه ۱۳۸۶)

یادداشت‌های مؤلف بر ویرایش اول

بنیاد تربیتی و فرهنگی دکتر ذاکر حسین از این که با دعوت از اینجانب برای ارائه سخنرانی‌های یادبود دکتر ذاکر حسین، این افتخار را نصیب من کرد، مرا مرهون خود ساخت. با وجود آگاهی کامل بر عدم صلاحیت خود، در پذیرش این دعوت تردید به خود راه ندادم، نه تنها به این دلیل که این سخنرانیها برای زنده نگاه داشتن یاد و خاطر مردی برگزار می‌شد که خود یکی از کاملترین تبلورهای فرهنگ هندو-اسلامی هند بود، بلکه به این دلیل نیز که به دنبال فرصتی بودم تا با دوستان هندی خود برخی از اندیشه‌هایی را که در طول سالیان، و در جریان مطالعه تاریخ و فرهنگ دوره میانه هند بدانها رسیده بودم، در میان گذارم.

در اینجا باید تشکر خود را از دکتر جی. اس. دهیلون، ریاست بنیاد، که بسیار محبت آمیز با موضوعی که در نظر داشتم موافقت کردند، و در واقع ریاست یکی از جلسات سخنرانی اینجانب را نیز خود به عهده داشتند، ابراز دارم.

بویژه از آقای رادهی موهن منشی بنیاد سپاسگزاری می‌کنم که علاقه و اشتیاق ایشان منبع الهامی برای اینجانب بود. اگر تشویقها و یاریهای

بیدریغ ایشان نبود این کار به انجام نمی‌رسید.

همچنین باید تشکر کنم از دوست و همکارم آقای احمد میرعلانی، سرپرست خانه فرهنگ ایران در دهلی نو، که در ضمن چاپ اثر، نسخه‌های نمونه چاپخانه را از نظر گذرانده و متون عربی و پارسی را آماده کرده و پیشنهادات سودمندی ارائه نموده‌اند.

از آقای ار. اس. سنی، عضو انجمن هند و ایران، دهلی نو، که در آماده‌سازی نسخه تایپی و نیز در قرائت و مقابله نمونه‌های چاپی مرا یاری کردند صمیمانه تشکر می‌کنم.

فتح‌اله مجتبابی

مقدمه

پیش زمینه تاریخی

جذب و ترکیب، دو فرایند غالب در تمدن هندی بوده است. با توجه به شرایط ملازم با خاستگاه، گستره و دیالکتیک رشد و گسترش، این امر تقریباً اجتناب ناپذیر بوده است. ترکیب خاصی از عوامل جغرافیایی و نیروهای سیاسی، هند را به صورت یک پدیده اجتماعی - سیاسی متمایز درآورده است. موقعیت مادی این سرزمین، یعنی شبه قاره‌ای وسیع که مرزهای طبیعی آن با رشته کوه‌های هیمالیا مشخص شده است که این سرزمین را از سرزمین‌های اصلی آسیایی جدا می‌کند و آن را به صورت شبه جزیره‌ای خوش نقش، از دریا برمی‌آورد، همگونی اقلیمی قابل تشخیصی را برای پیدایش تمدن خاص فراهم می‌آورده است.

در سپیده دم مه‌آلود تاریخ، مهاجرت قبایل اولیه گروه‌های نژادی که احتمالاً از نواحی مرکزی، جنوب مرکزی و شمال شرقی آسیا به راه افتاده و فوج فوج به جلگه‌های حاصلخیز اطراف رود گنگ سرازیر شده و در جهت جنوب به سوی فلات آبرفتی دکن، که محل سکونت اقوام پیشین یا همان مردم بومی بود، حرکت می‌کردند، اولین نمونه اختلاط و آمیزش نژادی را در این سرزمین بسیار بخشنده و حاصلخیز، که بنا بود یکی از بزرگترین بوته‌های تجارب تاریخی نژادها و فرهنگ‌های بشری باشد، به وجود آورد.

دراویدی‌ها، آریانیها، سامیها و مغولان. با ساختارهای متفاوتی از جهت ترتیب و ترکیب. بوجودآورنده بنیان نژادی تمدن هندی‌اند. قبایل مشرک آریایی و در پی آنها سکاها، یوی‌چی‌ها، کوشانها، باکتریانیها و هونها، در گذشته‌هایی دور به «بهار ته ورشه» هجوم آوردند. طوایف مهاجر مسلمان ازبک، ترکمن، ایرانی، تورانی، افغان و پتهان نیز در طول قرون میانه به این سرزمین آمدند و هندوستان را وطن خود ساختند. به همراه مهاجران چند نژادی، گویشها، اشکال اعتقادی، نظامهای اجتماعی و ساختارهای ارزشی نیز آمدند، که همه در تنوع گسترده مؤلفه‌های بشری، در جامعه آشکارا متکثر هند، مشارکت دارند.

برحسب زرفای فرهنگی و پیامدهای اجتماعی گسترده، عمیقترین تأثیرها در ایجاد یک تمدن متمایز هندی، مربوط به دو بخش هندی - آریایی باستان، و هندی - مسلمان قرون میانه است. هندی - آریانیان یاری کردند تا جریانهای فرهنگی ودایی که در طول قرنهای پیوسته به غنا و باروری مردمان این سرزمین باستانی کمک کرده بود، و حتی امروز نیز بنیانها و لایه‌های زیرین تعاملات فرهنگی را زنده نگاه می‌دارد، تداوم یابد. تار و پودهای هندی - اسلامی، در تافته وجود طبیعی هند، نقش و نگاری با شکوه از فرهنگ ترکیبی پدید آورده، و با تنیدن رشته‌های ودایی، اسلامی، هندی، ایرانی و آسیای مرکزی، ترکیب میان فرهنگی بدیعی آفریده است. همراه و در کنار پیرایه‌های علم و فناوری جدید، که در پی رویارویی با تمدن صنعتی اروپا به هند وارد شد، و افزون بر ویژگیهای مردم سالاری و حکومت قانون، که در ساختار و کارکردهای حکومت انعکاس می‌یابد، امروز فرهنگ ترکیبی، گرامترین میراث هند جهانی است.

این فرهنگ ترکیبی، در طول تاریخ خیره‌کننده تقریباً هزارساله‌ای شکل گرفته است که از یک سو با صحنه‌هایی از چکاچاک شمشیرها (برای تثبیت شوکت و اقتدار شاهانه و تشکیل یک امپراطوری بزرگ در کسوت تبلیغ و

ترویج دین با نهفتن شهوت قدرت در زیر سرپوش اعمال و اجراء احکام شریعت، و جلوه دادن پیکارها و منازعات به عنوان جنگهای دینی و میان فرقه‌ای) همراه بوده است، و از سوی دیگر با رویاروییهای پایداری به صورت روابط و مناسبات برادرانه مردمان مختلفی که مسحور رفتار دوستانه و خیرخواهانه عارفان و قدیسان انساندوست شده بودند، پیوند خورده بود.

هرچند که قدرت، در معنای توان و نفوذ سیاسی و نیرو و نبرد نظامی، نقش خود را، به تعبیر پرمغز مارکس، به عنوان «مامای تاریخ» ایفا کرد، اما در برآمدن سنتزی نو از میان تضادهای تصوّرانی چون بومی و غیربومی بودن، هندوئی و مسلمانی، راست کیشی و بدعتگذاری، جزم‌گرانی متعصبانه و انسان‌گرانی عارفانه، بیش از قدرت، این «خواست» انباشته معطوف به توافق گروههای معارض برای مشارکت و آمیختن جویبارهای بی‌شمار مواریشان در ملتقای تازه بود که سرانجام رود با عظمت فرهنگ ترکیبی را به صورت جریان شکوهمند حیات ملی درآورد.

در چنین زمینه‌ای می‌توان این پرسش را مطرح کرد: آیا هندوان و مسلمانان در صحنه هند دو هویت مجزا و متفرد هستند، یا دو جزء انفک‌ناپذیر از هویت ملی واحدند؟ آیا آنها دو بخش متفاوت و معارض از یک واحد سیاسی‌اند و یا نقشهایی از یک طرح فراگیرند که مشخصه آن وحدت در کثرت است؟ آیا سخن گفتن از فرهنگهای متمایز و مجزای هندو و مسلمان در هند صحیح است، و یا مناسبتر آن است که عناصر درهم آمیخته‌ای را در نظر آوریم که پذیرای درآمیختن در یک طرح متکثر سازوارند؟ اگر ما خمیرمایه سیاسی و فرهنگی نیم قرن گذشته و بویژه شبه قاره خودمان را مورد توجه قرار دهیم، این پرسش مدام مطرح می‌شود. در اینجا نیازی به بازگویی تفاخرها و پیش‌داورپها و هیجانات و سیاست‌بازیهای این دوره نیست. اما پرسش اساسی بالا به شیوه‌ای نامناسب پاسخ داده شد و دو پاره اصلی دینی، متحمل ناآرامیها، بدگمانیها و حتی خونریزی و کشتار شدند. هنگامی که پرسشی گزاقبار از معنا و مفهومی سیاسی باشد، پاسخ آن تا آنجا که دریافت کرده‌ایم، بیشتر از آن که متناسب با دشواری مسئله باشد، درخور هوئ و

هوسها و امیال سیاست‌بازان بوده است. پرسشی چنین اساسی، مستلزم بررسی منصفانه گروهی از دانشندان است که بکوشند تا با بی‌طرفی و شفافیتی که با آگاهی‌مندانه تعدیل شده باشد، و بدون حُب و بغض و بی‌مسئولیتی به آن پاسخ دهند.

بنیاد تربیتی و فرهنگی دکتر ذاکر حسین این را برای خود مایه مباحثات می‌داند که توانست یک دانشمند برجسته غیرهندی را که سرشار از تحسین میراث فرهنگی هند است، برای تحلیل روشن و عالمانه این مسئله اساسی ملی متقاعد سازد. دانشمند هوشمند ایرانی، پروفیسور فتح‌اله مجتبابی به واسطه این سخنرانی‌ها که نشانگر دانشی است که گستره و ژرفای آن ستایش و تحسین انسان را برمی‌انگیزد، با ایجاد انگیزشی نو برای تحقیقی تازه، کاری ارزشمند را به انجام رساند. پروفیسور مجتبابی با ژرفای فهم و درک عقلانی بالای یک هندشناس پیگانه آشنا با ظرایف گوناگونی فرهنگی، یعنی هند، پرتوی جدید بر این مسئله افکند. تحلیل او مبتنی بر منابعی از دانش بود که تاکنون به حد کفایت ثبت نشده بودند. برای نمونه چند نفر، حتی در میان تحصیل‌کردگان، می‌دانستند که بیست و چهار ترجمه مختلف از *رامایته* و هشت ترجمه از *پینگودگیتا* به زبان پارسی وجود دارد؟ پروفیسور مجتبابی هنگام بیان این واقعیت که ترجمه‌های فراوانی از این دو اثر به زبان پارسی یافته شده که در سطح وسیعی در هند پراکنده است، نکته‌ای را یادآور شدند و آن این که تنها نتیجه‌ای که از این واقعیت می‌توان گرفت این است که قشر هندوان طبقه بالاتر که در زبان پارسی تبحر کافی پیدا کرده بودند، این کتابهای بزرگ مربوط به میراث و فلسفه کهن را به عنوان مکملی برای فهم صورت اصلی سنسکریت به کار می‌بردند.

پروفیسور مجتبابی در سخنرانی اول، توجه خود را بر یکی از بزرگترین هندشناسان همه دوران یعنی، ابوریحان بیرونی (۹۷۳-۱۰۴۸م) متمرکز ساخته است. این دانشمند خانه بدوش، در زمانی که در بیرون از هند تقریباً هیچ چیز درباره گستره و غنای میراث ما شناخته شده نبود، با ریشه‌های فرهنگ و فلسفه هندو آشنایی یافت.

فرایند پیچیده رشد و گسترش روابط فرهنگی هندوان و مسلمانان در سطوح و حوزه‌های مختلف این قاره گسترده، در طول قرن‌ها هنوز به خوبی شناخته شده نیست. ما نوشته‌هایی از مورخان و شاعران درباری در اختیار داریم که بالطبع درباره نقش شاهان خاص و درباریان سرشناس اغراق و گزافه‌گویی کرده‌اند. اگر می‌خواهیم به‌طور کامل ژرفای میان فرهنگی ذهن هندی را که در آن، اندیشه مسلمان و هندو در یک طرح کلی درهم تنیده شده است، درک کنیم باید به سراغ دیگر آثار محققان، هنرهای عامیانه، موضوعات مربوط به سطح مردمان عادی، معماری و هنرهای زیبای این دوره برویم. پرفسور مجتبیایی در این جهت بینشی عالمانه در اختیار نهاده است.

آخرین سخنرانی پرفسور مجتبیایی بررسی عمیق روابط میان فرهنگی است، که خود نتیجه رشد و گسترش همه‌جانبه تصوف اسلامی و ودانت هندو (که نشان آن را در شمار فراوان ترجمه‌های آثار فلسفی هندی به پارسی مشاهده می‌کنیم) به همراه واکنشهای عمومی این جنبشهاست، به فهم میان دینی بیشتر یاری می‌رساند. این سخنرانی، خط بطلانی بود بر این ادعا که مسلمانان و هندوان در هند در دوره میانه دائماً در جنگ و نزاع با یکدیگر بودند. ما امیدواریم که این سخنرانیها نه تنها چشم‌اندازی درست برای فهم تاریخی مناسب از دوره میانه به وجود آورد، بلکه همچنین برای پرورش احساس برادری عمیقتری میان دو بخش دینی اصلی هند سودمند باشد.

با آن که فرایند تعامل فرهنگی هندوان و مسلمانان با حاکمیت استعماری بریتانیا به ناگاه متوقف شد، اما در طول دوره مبارزه ملی برای استقلال، در میان هر دو جامعه دینی، مردان بزرگی ظهور کردند که فرهنگ ترکیبی را در خویش متبلور ساخته و آن را به بهترین وجه در خویش به ظهور رساندند. مولانا ابوالکلام آزاد و دکتر ذاکر حسین دو نمونه درخشان از چنین فرایندی بودند.

از این رو، برگزاری این مجموعه سخنرانیها برای زنده کردن خاطره ذاکر صاحب، اهدافی عمیقتر را در نظر داشت. اینها باید تکیه‌گاههای ما را به یادمان آورد و کمک کند تا فرایند وحدت و یکپارچگی سیاسی به سرعت به پیش

رود. به گونه‌ای که نکتزگرایی فرهنگی هند جمهوری خواه فدرال، موجبات
 تحقق نظام جهانی نوین بشری را استحکام بخشد. در همین حال این
 سخنرانها باید بار دیگر ضرورت بازنویسی تاریخ هندی را به مثابه ابزاری
 برای بازسازی ملی و اجتماعی گوشزد کرده باشد — تاریخی که بر نقش
 جاودانه‌ای که همه جوامع در این شبه قاره به‌ناور، در رشد و توسعه ادبیات،
 هنرهای زیبا، معماری، فلسفه، علم و فناوری، و در رأس همه، در شکوفایی
 یک هویت ملی اصلی داشته‌اند تأکید نماید.

رشیدالدین خان عضو پارلمان هند
 پروفسور علوم سیاسی دانشگاه
 جواهر لعل نهرو
 و نماینده شورای برنامه‌ریزی

بنیاد تربیتی و فرهنگی
 دکتر ذاکر حسین، دهلی نو
 اگوست ۱۹۷۸

رادهی فن
 منشی